

شجریان یک استثناء در تاریخ ایران

✘ فریدون شهبازیان ، زاده ۱۳۲۱ در تهران، از شناخته‌شده‌ترین موسیقیدان‌های کشور در دهه‌های اخیر است. وی فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است و عامه مردم نیز او را با نوار کاست «رباعیات خیام» به خوانندگی محمدرضا شجریان و دکلمه احمد شاملو، همچنین موسیقی‌هایی که برای فیلم‌های سینمایی ساخته است می‌شناسند. فریدون جوان با تشویق و راهنمایی پدرش حسین شهبازیان، به موسیقی گرایش پیدا کرد و در هنرستان عالی موسیقی به تحصیل موسیقی و فراگیری ساز ویلن زیر نظر عطاءالله خادم میثاق سرژ خوتسیف پرداخت. پس از آن فراگیری ویلن را تا اخذ دیپلم نوازندگی این ساز، در کلاس‌های شبانه «لوئیجی پاساناری» که در آن زمان کنسرت‌مایستر ارکستر سمفونیک تهران بود ادامه داد. وی در ۱۷ سالگی به عضویت ارکستر سمفونیک تهران به رهبری حشمت سنجری درآمد پس از آن همکاری خود را با ارکستر گل‌های رادیو آغاز کرد. در آن هنگام ارکستر گل‌ها به رهبری روح‌الله خالقی و پس از او جواد معروفی فعالیت می‌کرد. در سال ۱۳۴۵ رهبر گروه کر و ارکستر سمفونیک رادیو شد. شهبازیان در دهه ۶۰ آهنگسازی برای فیلم را نیز آغاز نمود. وی به همراه علی معلم دامغانی شورای موسیقی را در صدا و سیما تشکیل دادند که وظیفه نظارت و حمایت از موسیقی پاپ را به عهده داشت. فریدون شهبازیان از مهر ماه ۱۳۹۵ تا فروردین ماه ۱۳۹۸ چوب رهبری ارکستر ملی ایران را در دست داشت. شهبازیان پس از استعفا از مدیریت هنری و رهبری دائم ارکستر ملی ایران، به عنوان مشاور موسیقی بنیاد رودکی منصوب شد که در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ از این سمت نیز کناره‌گیری کرد.

آشنایی دیرینه شهبازیان با زنده‌یاد شجریان در طول سال‌هایی که جزو دست‌اندرکاران برنامه گل‌ها در رادیو بود، بهانه‌ای شد تا به سراغ وی رفته و با او درباره خسرو آواز ایران بگویم و بشنویم. از جناب شهبازیان و خانواده محترم ایشان که امکان این گفتگو را فراهم کردند سپاسگزاریم.

لطفاً قدری درباره نحوه آشنایی خود با استاد شجریان بفرمایید.

در دهه چهل خورشیدی زمانی بود که من در برنامه گلها در رادیو نوازندگی و آهنگسازی می‌کردم. در پایان این دهه، رادیو و تلویزیون با هم ادغام شدند. قطعاً شما یادتان نمی‌آید آن زمان رادیو زیر نظر وزارت اطلاعات بود تلویزیون هم تلویزیون دولتی ایران بود و آقای قطبی و اینها بودند اما در سال 1350 رادیو و تلویزیون با هم ادغام شدند و شد رادیو و تلویزیون ملی ایران و من مسؤولیت موسیقی رادیو را در کنار آقای هوشنگ ابتهاج شاعر بزرگ و بی همتای سرزمینمان داشتم و برنامه‌های «گل‌های تازه» و «گلچین هفته» را تهیه می‌کردیم و خیلی برنامه‌های دیگر. در آن زمان آقای شجریان تازه از مشهد به تهران آمده بودند و چند برنامه گلها را خوانده بودند و در رادیو در کلاس آقای ادیب و دیگر خواننده‌های بزرگ کشور شرکت می‌کردند. من هم برنامه گل‌های تازه رادیو را تهیه می‌کردم. در آن شرایط با آقای شجریان آشنا شدم. ایشان تشریف آورده بودند رادیو. ما ایشان را آوردیم تا در کنار گروه‌های مختلفی مثل گروه آقای پایور، گروه آقای لطفی و گروه آقای مشکاتیان و آقای حسین علیزاده و دیگران کار می‌کردیم و آثار دیگری را با ایشان ضبط می‌کردیم.

✘ در سال 1351 یعنی اولین سال ادغام رادیو و تلویزیون، من اولین اثر ارکسترال خودم را که با ارکستر بزرگ برای ایشان نوشته بودم با عنوان «جام تهی» با ایشان ضبط کردیم و در برنامه گل‌های تازه از رادیو پخش شد؛ به نام گل‌های 77 و با نام‌های «پرکن پیاله را»، که به نام اندیشه میان دو جام و جادوی بی اثر هم شناخته می‌شود. در کنار آن همینطور برنامه‌های مختلف با آقای شجریان ادامه داشت و سال‌های متمادی با ایشان همکاری و کار کردم و آثاری برای ایشان نوشتم مثل همین «جام تهی»، «رباعیات خیام»، «گل‌بانگ» و آثار دیگری که در برنامه گل‌های تازه استفاده می‌شد و در همان سال‌ها بهترین آثاری که واقعاً امروز می‌توانم بگویم آقای شجریان از عهده‌اش با استادی تمام بر می‌آمد اجرا می‌کردند و آوازهایشان واقعاً هر کدام از اجراهایشان بی بدیل و واقعاً شنیدنی و درشان و منزلت یک خواننده بزرگ بود و ایشان در همان اندازه‌ها بودند. این همکاری ادامه داشت و با هم صمیمی بودیم و با هم کار می‌کردیم و آثار بسیاری نوشته و اجرا کردیم تا سال 1357 که انقلاب شد و برنامه‌های رادیو دیگر منتفی شد و ادامه پیدا نکرد.

یعنی بعد از انقلاب هیچ کار مشترکی با استاد شجریان نداشتید؟

خیر

یکی از کارهای خیلی خیلی برجسته شما با استاد شجریان همین آلبوم

رباعیات خیام است اگر ممکن است به طور اختصاصی درباره ماجرای خلق این آلبوم توضیحاتی ارائه دهید.

در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن زمان با دوست عزیزم احمدرضا احمدی که مدیریت تولید موسیقی آنجا را برعهده داشت شروع کردیم به موسیقی نوشتن و اجرای آثاری بر روی اشعار شعرای بزرگ پارسی‌گو. از حافظ شروع کردیم؛ حافظ، خیام، مولانا، رودکی، سعدی و اخوان ثالث. آرام آرام این کارها ضبط شد با دکلمه و روایت شاعر بزرگ و بی نظیر سرزمین‌مان زنده‌یاد احمد شاملو. غزلیات و اشعار را ایشان می‌خواندند و من برای ایشان نت می‌نوشتم؛ برای اشعار همین شعرایی که گفتم، مثل حافظ و مولانا البته اشعار سعدی را شاعر بی‌همتا و بزرگ ایران، هوشنگ ابتهاج دکلمه و اجرا نمودند تا اینکه رسیدیم به رباعیات خیام و همان سالها اوایل دهه پنجاه خورشیدی شروع کردم به نوشتن آهنگ رباعیات خیام بر مبنای صدای آقای محمدرضا شجریان. به پیشنهاد خودم و به توصیه احمدرضا احمدی این کار را با صدای آقای شجریان ضبط کردیم. بی اغراق می‌توانم بگویم پرفروش‌ترین کار موسیقی ایرانی است که من ساختم و آقای شجریان خواندند. ابتدا به صورت صفحه بعد کاست و در دهه هشتاد سی دی و در دهه نود به صورت پلتفورم‌های مجازی پخش شد. در همان سالها ایشان تشریف آوردند رباعیات را خواندند و من هم انتخاب کردم و بر مبنای انتخابی که انجام دادم برایش موسیقی آوایی و ارکسترال نوشتم و ایشان اجرا کردند و البته آقای شاملو هم دکلمه.

سوالی که جنبه فنی دارد این است که به نظر شما جایگاه استاد شجریان در هنر آواز و موسیقی ایرانی از نظر هنری و تکنیکی چه ویژگی‌هایی دارد که استاد شجریان را از دیگر خواننده‌ها و دیگر اهالی موسیقی متمایز می‌کند؟

به هر حال آقای شجریان سال‌های سال تلاش کردند و با استادان بزرگی کار کردند. من به یاد دارم برای جشن هنر شیراز من و آقای شجریان حدود دو ماهی در کنار آقای برومند و آقای لطفی تمرین می‌کردیم و کار می‌کردیم که در آن جشن اجراش کنند؛ آن راست پنجگاه معروف را در جشن هنر اجرا کردیم و از نظر ویژگی‌های تکنیکی و فنی که ایشان داشتند و سبکی که در آوازشان وجود دارد که منحصر به خودشان است و اگرچه خیلی از ایشان تقلید می‌کنند و پیرو آواز خواندن ایشان هستند اما هیچ کدام آقای شجریان نمی‌شوند. ویژگی‌های تکنیکی‌شان را اصلاً نمی‌توان انکار کرد. من یادم می‌آید که ایشان می‌شنید در یک شهرستان کوچک مثلاً زابل که از قدیم آهنگی وجود دارد به آنجا می‌رفتند و آن را گوش می‌کردند و از آن استفاده می‌کردند یعنی آدم با انگیزه و پرشوری بودند. تمام تلاششان این بود که بهترین اجراها

را داشته باشند و خوشبختانه موفق هم بودند و واقعاً بزرگی و عظمت کار ایشان در آواز خواندن بی نظیر است.
این داستان ضبط ربّنا فکر کنم در دوره همکاری شما اتفاق افتاده درست است؟

بله سال ۱۳۵۸

می‌شود روایت دست اولی از ماجرای «ربّنا» به ما ارائه بدهید؟! البته آقای شجریان در مصاحبه معروفشان با روزنامه ایران در اواسط دهه نود خورشیدی، شرح کاملی از جریان «ربّنا» داده‌اند که توصیه می‌کنم برای آشنایی نسل جوان مصاحبه را در فصلنامه باز نشر بفرمایید. به هر حال یک فصلنامه وزین در کتابخانه‌ها می‌ماند. آن زمان در رادیو گروهی از جوانان بودند که کار می‌کردند و آواهای آیینی و مذهبی را اجرا می‌کردند و آقای شجریان هم می‌آمدند و تکنیک‌هایی هم بود که به آنها یاد می‌دادند؛ یعنی تکنیک‌ها و زیبایی‌های کار را از آقای شجریان می‌آموختند. یاد می‌آید که نزدیک ماه رمضان بود و می‌خواستند که یک ربّنائی به یاد ربّنائی که قبلاً در رادیو اجرا می‌شد و مرحوم آقای ذبیحی خوانده بودند اجرا کنند و در ماه مبارک رمضان از رادیو اجرا و پخش شود. کسانی که در این زمینه کار می‌کردند و شاگردان ایشان بودند و از ایشان یاد می‌گرفتند هرچه تلاش کردند ربّنائی را که آقای شجریان می‌خوانند اجرا کنند نتوانستند و نشد که آن اتفاق بیفتد و این زیبایی‌ها در بیاید. من در اتاق فرمان و رژی استودیو بودم و آقای شجریان در استودیو مشغول خواندن بودند. از ایشان خواهش کردم که بروند داخل استودیو و ربّنائی مورد نظرشان را بخوانند و بعد بدهند به این بچه‌ها که بروند و یاد بگیرند که بیایند اجرا کنند و استفاده کنیم.

ایشان به استودیو رفتند و کاری کردند کارستان؛ یعنی ربّنا را به بهترین شکل ممکن با یک اجرا خواندند و من ضبط کردم بعد که تمام شد اینقدر زیبا و جذاب بود که تا شب ده‌ها بار گوش کردم. همان شب به هر حال کار را من از نظر فنی ادیت کردم و کمک کردم و آماده پخش شد. بعد که شاگردانش خواندند من بارها به ایشان چند روز اصرار کردم که اجازه بده ربّنائی خودت را پخش کنیم که مخالفت می‌نمود. نهایتاً بدون اجازه ایشان آن را اول ماه مبارک از رادیو پخش کردم که ناراحت شد. اما ربّنائی ایشان سال‌های سال هر سال در ماه مبارک رمضان از رادیو و تلویزیون پخش می‌شد و تا اوایل دهه هفتاد کسی نمی‌دانست این ربّنا را چه کسی خوانده‌است. خوشبختانه مورد توجه مردم و اقبال همه ایرانیان و حتی غیر ایرانیان قرار

گرفت و میراث معنوی ایرانیان است. تا بعد که آن اتفاقها در سال ۸۸ افتاد که حذف کردند و البته مردم هنوز در ماه مبارک آن را آهنگ پیشواز موبایل می‌کنند یا در اپلیکیشن های موبایلی تنظیم می‌کنند قبل افطار موبایلشان پخش کند!

در بعضی از نشریات یا فضاهای مجازی مطلبی درباره اینکه اجرای ربّنائی استاد شجریان تقلیدی از اجرایی عربی است یا چنین چیزی آیا واقعاً اینطور است؟
از کسی که قرآن را تلاوت می‌کند؟
بله.

احتمال می‌دهم که منظورشان عبدالباسط بوده منظورتان این است؟
نه، عبدالباسط نه؛ ظاهراً شخص دیگری حالا بعضی هم می‌گویند که از آقای ذبیحی تقلید کرده‌اند ولی فکر نمی‌کنم این درست باشد.
اصلاً به سبک ارتباطی ندارد. برای اینکه سبک آقای شجریان و سبک آقای ذبیحی و سبک آقای عبدالباسط یا دیگر مجریان قرآن و تلاوت کنندگان قرآن با هم فرق می‌کند و هر کدام سبک خود را دارند نمی‌توان گفت که آن سبک را تقلید کرده‌اند آنچه شما می‌گویید یعنی ملودی که مثلاً آقای ذبیحی استفاده کرده آقای شجریان هم از همان ملودی استفاده کرده که نه چنین چیزی نیست.

از این بگذریم درباره اینکه چرا اینقدر شجریان محبوب قلوب شد و مقبولیت عام پیدا کرد برخی نظرشان این است که یکی از دلایل عمده این است که با موسیقی‌دان‌ها و نوازندگان بزرگی کار کردند و این رمز موفقیت ایشان بوده است؛ نظر شما در این مورد چیست؟

طبیعی است، معلوم است خواننده‌ای به بزرگی ایشان و به تبحر ایشان باید کنارش چه کسی باشد؟ باید کنارش جلیل شهناز باشد فرامرز پایور باشد حبیب بدیعی باشد پرویز یاحقی باشد حسین علیزاده و لطفی و مشکاتیان باشند. این هنرمندان و این نوازنده‌های برتر باید باشند که این کار پرورش پیدا کند و به بهترین شکل ممکن ضبط شود. طبیعی است بدون این‌ها نمی‌شوند که شما با هر نوازنده‌ای بروید و بخواهید این کار را انجام دهید آن چیزی که لازم باشد در نمی‌آید و ایشان هم در هفت سالی که با کمال افتخار با ایشان بودم از سال 50 تا سال 57 که برنامه گلهای تازه را کار می‌کردیم همه آثاری که ایشان خواندند بدون استثنا همه‌شان با بهترین نوازندگان کشور کار شد.

خود حضرت عالی که یکی از بزرگان موسیقی کشور ما هستید شاید بزرگترین نقش را در محبوبیت و مقبولیت رباعیات خیام داشتید. آن موقع که داشتید با استاد شجریان کار می‌کردید فکر می‌کردید که ایشان یک استعداد استثنایی و بی نظیری هستند و در آینده ممکن است

که یکی از بزرگترین آوازخوانان کشور باشند؟
بله همان موقع که رباعیات خیام را ضبط کردیم آقای شجریان کلی
برنامه خوانده بودند و پخش شده بود در رادیو ملی ایران و به خوبی
همه ایشان را می‌شناختند.

به شهرت بعدشان که نبودند؟!

نخیر بسیار شهرت داشتند و مردم هم خیلی ایشان را دوست داشتند.
بعدها کم کم آمدیم و رباعیات خیام را ضبط کردیم و آثاری که من
برای ایشان نوشتم اگر از جام تهی شروع کنیم شاید بهترین آثار
ارکسترالی که ایشان خواندند آثاری است که من برای ایشان با کار
ارکسترال نوشتم معمولاً کارهایشان با ارکسترهای ایرانی بوده مثل
گروه آقای لطفی و گروه آقای پایور گروه حسین علیزاده گروه پرویز
مشکاتیان و خیلی دیگر از دوستانمان که همین الان هم کار می‌کنند؛
مثل آقای علیزاده عزیز که هنوز فعال هستند و همه این آقایان
گروه‌هایشان گروه موسیقی ایرانی بود. هیچ کدام گروه ارکسترال بزرگ
نبوده فقط آثار من ارکسترال بزرگ بود. ارکستر رادیو تلویزیون ملی
ایران یا ارکستر گل‌ها که سعی کردم به بهترین شکل ممکن اجرای
ارکستر با ایشان همکاری کنم.

**علت اینکه بعدها دیگر این همکاری شکل نگرفت آیا بی‌علاقگی ایشان
به ارکسترهای بزرگ بوده؟**

خیر دلیلش تعطیلی ارکسترهای بزرگ در ابتدای انقلاب تا اواسط دهه
۷۰ بود.

دلایل دیگری هم داشته؟

خیر، پیش نیامد. آن موقع رادیو بود و من در رادیو این کار را
می‌کردم و با ارکستر ضبط می‌کردیم بعداً دیگر ارکستری وجود نداشت
به آن شکل که به آن خوبی باشد و بشود آثار را ضبط کرد.

**درباره تاثیرات اجتماعی و سیاسی استاد شجریان در جامعه ما نظرتان
چیست؟**

به هر صورت آقای شجریان در جامعه محبوبیت بی‌نظیری دارند و مردم
ایشان را دوست دارند و واقعاً به کارشان علاقمند هستند و قطعاً
تاثیرات سیاسی و اجتماعی ایشان هم در مقایسه با هنرمندان دیگر
غیر قابل قیاس است.

**یعنی اصولاً از نظر شما هنرمند باید وارد مسائل اجتماعی بشود یا
کنار بایستد؟**

اینکه یک هنرمند بزرگ بخواهد وارد کارهای سیاسی شود و تأثیر
بگذارد می‌تواند این راه را انتخاب کند که در سیاست تأثیر
بگذارد.

به عنوان یک موسیقیدان برجسته و بزرگ اگر بخواهید گلچینی کنید از

آثار استاد شجریان کدام ها را بیشتر می‌پسندید؟

من کارهای خودم را خیلی می‌پسندم؛ بیشترین سعیم را کردم که بهترین آثار را برای ایشان بنویسم و آثاری که برای ایشان نوشته‌ام خیلی آثار زیبایی بوده و کارهایی که با آقای پایور انجام دادند و کارهایی که با آقای علیزاده و لطفی انجام دادند و کارهایی که برای گلهای تازه شده بود و پخش شده از رادیو و تلویزیون و بسیار مورد توجه بوده و بین کارهای خودشان مثلاً آن کار «بیداد» شان و به نظر من بهترین اثری که در آواز و موسیقی ایرانی اجرا کردند «نوا، مرکب خوانی» است از نظر آوایی.

خیلی از موسیقیدان‌ها نوا، مرکب خوانی را می‌پسندند. علتش این است که واقعاً مرکب خوانی کرده‌اند و چند دستگاه و ردیف را اجرا کرده‌اند؟

آن کار اصلاً شاهکاری است!

فکر می‌کنید که در آینده در موسیقی سنتی ایرانی شخصیتی می‌تواند به وجود بیاید که جایگاه ایشان را پیدا کند؟

شجریان استاد بی‌همتای آواز و نامیرا و یک حقیقت همیشه زنده است و موهبت ما این بود که در دوره ایشان زیستیم و به‌ویژه من که با ایشان همکاری نزدیکی داشتم. قبل از آقای شجریان که ایشان هنوز شروع نکرده بودند کسی نمی‌توانست حدس بزند یکی بیاید بعد از گلپایگانی و بعد از ایرج بعد از شهیدی بعد از قوامی بعد از بنان و خلی‌های دیگر و جایگاهی برای خودش در این حد پیدا کند. شجریان البته یک استثناء در تاریخ ایران است. شجریان در موسیقی مثل حافظ، خیام، فردوسی، رودکی، سعدی، شاملو و ابتهاج در شعر است. البته هر اتفاقی ممکن است بیفتد؛ کسی باشد که تلاش کند و به جایی برسد ولی جایگاه شجریان در جهان بی‌بدیل است و سخت است و شاید دست نیافتنی.

یعنی از نظر فنی شما تأیید می‌فرمایید که ایشان یک مکتب خاص خودشان را تأسیس کردند؟

بله

به عنوان آخرین سؤال اگر نکته خاصی در باب استاد شجریان هست بفرمایید استفاده کنیم؟

نکته خاصی نیست جز این‌که همه جذابیت‌ها و زیبایی‌ها و حلاوت آواز ایرانی در صدای ایشان نهفته بود و هر آوازی که می‌خواندند واقعاً دلنشین بود و به دل می‌نشست و واقعاً قابل ستایش است از هر نظر. من کار ایشان را واقعاً دوست دارم و امیدوارم بشود و اتفاقی بیفتد و خوانندگان بسیاری بیایند و راه او را ادامه دهند. جوانان خوبی الان هستند که دارند کار می‌کنند؛ باید تلاش کنند تا جایگاهی

بلند پیدا کنند.
بسیار سپاسگزاریم.